

اصل وحدت و سرعنوانهای موضوعی

اثر: دکتر مرتضی کوکبی *

چکیده

سرعنوانهای موضوعی، ابزار تفهیم محتوای موضوعی مواد کتابخانه به مراجعه کنندگان می‌باشند. برای کارآیی این ابزار، هر سرعنوان، باید با رعایت سه اصل، ارائه شده باشد. این سه اصل عبارتند از: خواننده، ویژگی و وحدت. برای این که فهرست‌نویس بتواند در ارائه هر سرعنوان موضوعی، این سه اصل را رعایت کرده باشد فهرست سرعنوانهای موضوعی به وجود آمده‌اند که سرعنوانهای مندرج در آنها با توجه به سه اصل فوق، تهیه شده‌اند. در بازیابی مواد کتابخانه از طریق موضوع، اصل وحدت، نقش اساسی ایفا می‌کند. نوشته حاضر، برخی از مواردی را که در آنها اصل وحدت به طور ناخواسته نقض شده است و یا امکان نقض آنها وجود دارد نشان می‌دهد. راه‌حلهایی نیز برای حل این مشکل پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: فهرست‌نویسی موضوعی، سرعنوانهای موضوعی، اصل وحدت

مقدمه

در جهان تخصص‌گرای امروز، با توجه به رشد روزافزون اطلاعات و انتشارات در تمامی زمینه‌های موضوعی، بازیابی مواد کتابخانه از طریق موضوع، روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. پژوهشگری که در زمینه بخصوصی از معارف بشری به تحقیق مشغول است هیچگاه نمی‌تواند مطمئن باشد که به وسیله عناوین یا نام پدیدآورندگان مواد کتابخانه‌ای مورد نظر خود، به تمامی مواد منتشره در زمینه

بخصوصی دست یابد. اگر او به طریقی هم به همه این عناوین و نامها دست می یافت حافظه محدود بشری اصولاً چنین امکانی را به او نمی داد که بخواهد با استفاده از این عناوین و نامها به جستجوی مواد مورد نیاز خود دست زند. به همین دلیل است که نیاز پژوهشگران و کاربران کتابخانه به جستجوی مواد کتابخانه به وسیله موضوع، روز به روز بیشتر می شود. ابزار بازیابی مواد کتابخانه به وسیله موضوع، سرعنوانهای موضوعی اند که از طریق فهرستهای دستی یا کامپیوتری کتابخانه این مهم را انجام می دهند.

سرعنوانهای موضوعی، کلمات یا عباراتی اند که برای بیان محتوای موضوعی مواد کتابخانه، در فهرست برگه ها یا رکوردهای کامپیوتری کتابخانه به کار می روند. از آنجایی که تنها از طریق این سرعنوانهاست که فهرست نویس می تواند درک خود از محتوای موضوعی یک ماده کتابخانه را به خواننده منتقل کند چگونگی ارائه آنها، یعنی گزینش واژه های این سرعنوانها و ترتیب قرار دادن واژه ها در کنار یکدیگر بسیار مهم است. به دلیل همین اهمیت است که فهرست نویسان معتقدند هر سرعنوان موضوعی باید حداقل دارای سه خصوصیت باشد. این سه خصوصیت که در فهرست نویسی موضوعی از آنان به عنوان سه اصل یاد می کنند به طور مجمل در زیر شرح داده می شوند:

۱. اصل خواننده. منظور از اصل خواننده این است که واژگان مورد استفاده و ترتیب این واژگان در سرعنوان موضوعی ارائه شده برای بیان یک موضوع خاص، باید به همان شکلی باشد که بیشترین خوانندگان به هنگام جستجوی آن موضوع خاص، آن را به کار می برند. مثلاً، اگر به دلایلی این اعتقاد وجود دارد که خوانندگان کتابهایی در باره "آموزش و پرورش"، جستجو برای چنین کتابهایی را با همین عبارت انجام می دهند فهرست نویس برای توصیف موضوعی این کتابها نباید از سرعنوان "تعلیم و تربیت" استفاده کند. این اصل، به این دلیل از اهمیت خاصی برخوردار است که به هدف غایی هر کتابخانه، یعنی اطلاع رسانی در اسرع وقت و اکمل شکل به خواننده، برمی گردد.

۲. اصل ویژگی. اصل ویژگی، یعنی به کارگیری اصطلاح اصرح و اخص در سرعنوان موضوعی. مثلاً، اگر کتابی درباره "مارها" است نباید سرعنوان "خزندگان" را به آن داد زیرا باعث گمراهی خواننده خواهد شد. این اصل، به ویژه در جهان تخصص‌گرای امروز، اهمیت بیشتری می‌یابد. پژوهشگری که می‌خواهد درباره "مارها" تحقیق کند باید به توسط فهرست‌نویس به موادی از کتابخانه راهنمایی شود که منحصراً درباره مارها نوشته شده است. به همین ترتیب، به کتابی که منحصراً درباره "مار زنگی" است نمی‌توان سرعنوان "مارها" را داد. بدیهی است که کتابی درباره خزندگان نیز می‌تواند مورد استفاده چنین پژوهشگری قرار گیرد و برای همین هم، در این مورد در فهرست کتابخانه تمهیداتی اندیشیده می‌شود. اما فرض بر این است که جستجوگر، همیشه جستجو را با خاص‌ترین مفهوم آغاز می‌کند.

۳. اصل وحدت. اصل وحدت، یعنی گردآوردن همه کتابهای هم موضوع زیر یک سرعنوان واحد. به عبارت دیگر، اگر در کتابخانه‌ای برای بیان مفهوم "آموزش و پرورش" از سرعنوان "آموزش و پرورش" استفاده می‌شود نباید در مورد کتاب یا کتابهای دیگر، برای بیان همین مفهوم، از سرعنوان "تعلیم و تربیت" نیز استفاده کرد. زیرا با این کار، پراکندگی موضوعی پیش می‌آید، یعنی گروهی از مواد، زیر سرعنوان "آموزش و پرورش" و گروهی دیگر زیر سرعنوان "تعلیم و تربیت"، از یکدیگر دور می‌افتند و به این ترتیب، خواننده هیچگاه نمی‌داند که درباره یک موضوع معین، مثلاً همان "آموزش و پرورش"، چه تعداد ماده کتابخانه‌ای در کتابخانه مورد جستجوی او وجود دارد.

عدم رعایت اصل وحدت، مشکلات دیگری نیز پیش می‌آورد. پژوهشگری که عادت کرده است در یک کتابخانه، مثلاً مواد مورد جستجوی خود را زیر سرعنوان "آموزش و پرورش" جستجو کند در کتابخانه دیگر نیز، جستجو را با همین عادت انجام می‌دهد و اگر در کتابخانه دوم، از سرعنوان "تعلیم و تربیت" استفاده شده باشد به سهولت به مواد دلخواهش نخواهد رسید. به سخن دیگر، در اثر عدم رعایت اصل وحدت، اصل مهم خواننده نیز، به نوعی نقض می‌شود.

مشکلات ناشی از عدم استفاده از اصل وحدت، در تبادل کامپیوتری اطلاعات فهرست‌نویسی و کتابشناختی نیز به چشم می‌خورد زیرا اگر کتابی یکسان، در هنگام فهرست‌نویسی موضوعی کامپیوتری در دو کتابخانه متفاوت، به وسیله دو سرعنوان متفاوت توصیف شود کامپیوتر نیز نمی‌تواند در یک جستجوی موضوعی تحت یکی از این سرعنوانها، هر دو کتاب را بازیابی کند و به این ترتیب، جستجو ناقص می‌ماند. با توجه به رشد سریع شبکه‌های کامپیوتری کتابخانه‌ای، اهمیت اصل وحدت بیش از پیش به چشم می‌خورد.

برای رعایت دقیق این سه اصل، و از آنجا که هیچ فهرست‌نویسی به تنهایی نمی‌تواند در مورد هر سرعنوان موضوعی به نحو احسن این سه اصل را رعایت کند فهرستهای سرعنوانهای موضوعی به وجود آمده‌اند به گونه‌ای که فهرست‌نویس با انتخاب هر سرعنوان اصلی در این فهرستها می‌تواند مطمئن باشد که سه اصل فوق را رعایت کرده است. به عبارت دیگر، استفاده از فهرستهای سرعنوانهای موضوعی می‌تواند تنها ضامن اجرای سه اصل فوق در هنگام فهرست‌نویسی موضوعی باشد. کتاب "سرعنوانهای موضوعی فارسی" (سرعنوانهای موضوعی فارسی، ۱۳۷۳) یکی از این فهرستهاست.

آن چه در پی می‌آید برآنست که با استفاده از کتاب "سرعنوانهای موضوعی فارسی" که از این پس به اختصار، "سرعنوانها" نامیده خواهد شد نشان دهد که علی‌رغم اعتقاد به رعایت سه اصل خواننده، ویژگی و وحدت، در ساختار این فهرستها نقائصی وجود دارد که مانع از اجرای اصل وحدت می‌شود. به بیان دیگر، در فهرستهای سرعنوانهای موضوعی، موارد بسیاری وجود دارد که در آنها انتخاب شکل سرعنوان به عهده فهرست‌نویس گذاشته شده است و این امر، می‌تواند باعث ایجاد پراکندگی در گزینش شکل سرعنوانها توسط فهرست‌نویسان متفاوت و در نتیجه، عدم رعایت اصل وحدت گردد. در مواردی نیز، علی‌رغم تلاش برای رعایت اصل وحدت، تناقضات موجود در این سرعنوانها، خود باعث از دست رفتن یکدستی در ارائه شکل یکسان سرعنوانها می‌گردد. بدیهی است که در این جا

کتاب "سرعنوانهای موضوعی فارسی" تنها به عنوان یک وسیله و به اعتباری نماینده این فهرستها مورد استفاده قرار گرفته است و خود، هدف این بررسی نیست.

مواردی که در آنها امکان ایجاد پراکندگی در ارائه شکل سرعنوانهای موضوعی وجود دارد عبارتند از:

الف. ترتیب تقسیمات فرعی عام

اصولاً تقسیم فرعی عام در سیاهه سرعنوانهای موضوعی به واژه یا عبارتی اطلاق می شود که "برای اخص کردن یک سرعنوان موضوعی به کار می رود مانند "آموزش" یا "تبلیغات" که بعد از یک سرعنوان موضوعی قرار می گیرد و آنرا اخص می کند. مثلاً کتابداری - آموزش، اسلام - تبلیغات." (سلطانی و راستین، ۱۳۶۳، ص. ۸۶). تقسیم فرعی را که بتوان زیر کلیه سرعنوانهای موضوعی به کار برد تقسیم فرعی عام می نامند. در "سرعنوانها" سیاهه ای از تقسیمات فرعی عام وجود دارد و فهرست نویس مجاز است آنها را زیر موضوعات دلخواه، به منظور اخص کردن آن موضوعات به کار برد.

تا اینجا، مشکلی در این مورد به چشم نمی خورد اما زمانی که فهرست نویس بخواهد برای خاص تر کردن موضوع، از دو تقسیم فرعی عام یا بیشتر استفاده کند ابهام به وجود می آید زیرا او با این پرسش رو به رو می شود که از دو تقسیم فرعی عام، کدام یک را باید اول و کدام یک را دوم قرار دهد. برای رفع این ابهام، "سرعنوانها" پیشنهاد می کند که: "اگر در مورد موضوعی نیاز به بیش از یک تقسیم فرعی عام باشد همیشه آن تقسیم فرعی که جنبه موضوعی اش قوی تر است قبل از دیگری قرار می گیرد. مثلاً: نفت - صنعت و تجارت - آمار. یا نفت - آمار - نشریات ادواری." (سرعنوانهای موضوعی فارسی، ۱۳۷۳، ص. سی و سه).

این معیار، شاید در مواردی قابل استفاده باشد اما پرسشی که در این جا پیش می آید این است که در حالی که در سیاهه "تقسیمات فرعی عام" در "سرعنوانها"

حدود ۲۸۰ تقسیم فرعی عام وجود دارد آیا می‌توان مطمئن بود که همه فهرست‌نویسان با استفاده از معیار فوق‌الذکر، ترتیب کاملاً مشخصی برای این ۲۸۰ تقسیم فرعی عام در اختیار دارند و تقسیمات فرعی عام اول و دوم را به نظمی یکسان ارائه می‌کنند؟ آیا اصولاً می‌توان به دقت تعیین کرد که جنبه موضوعی کدام تقسیم فرعی از جنبه موضوعی تقسیم فرعی دیگر بیشتر است؟ با توجه به این نکته که این تقسیمات فرعی عام، آنهایی اند که پشتوانه انتشاراتی دارند (سرعنوانهای موضوعی فارسی، ۱۳۷۳، ص. شصت و پنج) یعنی، در ازاء وجود کتاب (هایی) در کتابخانه ملی ساخته شده‌اند می‌توان پیش‌بینی نمود که با رسیدن کتابهای تازه به این کتابخانه، تعداد این تقسیمات فرعی عام بیشتر هم خواهد شد و در نتیجه، مشکل، ابعاد بزرگتری خواهد یافت.

ب. مفهوم برخی از تقسیمات فرعی عام

در مواردی نمی‌توان تفاوت دقیق میان دو تقسیم فرعی عام را مشخص کرد. آیا مثلاً، می‌توان گفت که در "سرعنوانها" در چه مواردی از تقسیم فرعی عام "قیمتها" استفاده می‌شود و در چه زمانی از تقسیم فرعی عام "هزینه‌ها"؟ آیا اگر کتابی درباره قیمت یا هزینه عکسبرداری در ایران داشته باشیم کدام یک از دو سرعنوان "عکاسی - ایران - قیمتها" یا "عکاسی - ایران - هزینه‌ها" موضوع کتاب را بهتر می‌نمایاند؟ یادداشت دامنه زیر هر دو تقسیم فرعی عام نیز مشابه است. در زیر سرعنوان "قیمتها" این یادداشت دیده می‌شود: "همچنین "قیمتها" را زیر موضوعهای خاص تقسیم‌بندی کنید. مثل: نسخه‌های خطی - قیمتها". در زیر سرعنوان "هزینه‌ها" نیز یادداشتی به این صورت وجود دارد: "همچنین "هزینه ساختمان" و "هزینه‌ها" را زیر موضوعهای خاص بیاورید. مثل: راه آهن - هزینه ساختمان؛ و مخابرات - هزینه‌ها". تقسیمات فرعی عام "صنعت" و "صنعت و تجارت" نیز از این گروه هستند. در یادداشت دامنه زیر "صنعت و تجارت" آمده است: "به تنهایی به کار نمی‌رود. آن را زیر موضوعهای مختلف تقسیم بندی کنید.

وقتی تجارت محصولات صنعتی مطرح است از این تقسیم فرعی استفاده کنید. مثل: مواد غذایی - صنعت و تجارت. در مورد فراورده‌های غیرصنعتی از کلمه "تجارت" به تنهایی استفاده کنید. مثل: پنبه - صنعت و تجارت. "در اینجا باز هم نمی‌توان به دقت تعیین کرد که کدام محصولات، صنعتی و کدام غیر صنعتی هستند. با چه معیاری، مواد غذایی، صنعتی است و پنبه، غیر صنعتی؟"

پ. هنگامی که در یادداشت زیر سرعنوانی کلی، اجازه ارائه سرعنوانهای جزئی تر مربوط به آن داده شده است

از این گونه سرعنوانها در "سرعنوانها" فراوان دیده می‌شود. مثلاً زیر سرعنوان "چشم - بیماریها و نقصها" یادداشت "همچنین انواع بیماریهای چشم را موضوع قرار دهید. مثل: تراخم." وجود دارد که به فهرست‌نویس اجازه می‌دهد انواع بیماریهای چشم را موضوع قرار دهد. در اینجا این احتمال وجود دارد که دو فهرست‌نویس، برای یک بیماری خاص چشم، دو اصطلاح متفاوت را به کار برند که این امر، باعث نقض اصل وحدت می‌شود. تعیین مشهورترین واژه یا عبارت (یا اصطلاح اشهر، که در عرف فهرست‌نویسی متداول است) هنگامی که به فهرست‌نویس واگذار می‌شود می‌تواند بسته به نظر و عمل فهرست‌نویس، اشکال متفاوتی پیدا کند.

ت. گروه موضوعهایی که در متن نیامده‌اند ولی می‌توانند در صورت لزوم موضوع قرار گیرند

در صفحه پنجاه و هشت مقدمه "سرعنوانها" دوازده گروه موضوع تحت عنوان "گروه موضوعهایی که در متن نیامده‌اند ولی می‌توانند در صورت لزوم موضوع قرار بگیرند" مشخص شده‌اند. این موضوعها عبارتند از:

۱. نام اشخاص

۲. نام طوایف، قبایل و خاندانها

۳. نام خدایان اساطیری و شخصیت‌های افسانه‌ای
۴. نام تنالگانها (مؤسسات، سازمانها، شرکتها و غیره).
۵. نام نواحی و مناطق
۶. نام مناظر و بناهای باستانی
۷. نام پدیده‌های طبیعی، مثل خلیجها، کویرها، دریاها، دریاچه‌ها، رودها، کوهها، آتشفشانها، دماغه‌ها
۸. نام بناها، مثل ساختمانها، قصرها، بناهای تاریخی، قلعه‌ها، دژها، پلها، کانالها، خندقها، سیلوها
۹. نام نواحی شهری، مثل بزرگراهها، میدانها، خیابانها، بخشهای شهری
۱۰. نام پارکها، جنگلها، بیشه‌ها
۱۱. نام انواع حیوانات [حیوانات] و گیاهان
۱۲. نام ترکیبات شیمیایی " (سرعنوانهای موضوعی فارسی، ۱۳۷۳، ص. پنجاه و هشت)

همان‌گونه که از عنوان این گروه از موضوعها برمی‌آید با داشتن این گروههای دوازده‌گانه، فهرست‌نویس مجاز است که هر موضوعی را که در محدوده این دوازده گروه قرار می‌گیرد برای توصیف موضوعی مواد کتابخانه مورد استفاده قرار دهد. مثلاً، گروه اول به او اجازه می‌دهد که هنگامی که کتاب درباره یک شخص است نام آن شخص را به عنوان موضوع بدهد. یا با استفاده از گروه دوازدهم، فهرست‌نویس می‌تواند نام هر ترکیب شیمیایی را برای توصیف موضوعی مواد کتابخانه‌ای که درباره آن ترکیب شیمیایی هستند به کار برد.

استفاده از چنین روشی در سیاهه سرعنوانهای موضوعی کاملاً منطقی است زیرا اگر قرار بود سرعنوانهای مربوط به هر یک از موارد بالا به تفصیل در "سرعنوانها" ذکر می‌شد حجم این کتاب به دهها برابر آن چه که اکنون هست می‌رسید. اما آنچه که در اینجا مطرح می‌شود این است که در ده مورد از این دوازده مورد، تعیین شکل سرعنوان به نوعی بر عهده فهرست‌نویس گذاشته شده است.

لازم به ذکر است که برای یافتن شکل اشهر نام اشخاص، کتابی به نام "فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان" (ایران. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی. مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۶) وجود دارد که در این مورد به فهرست‌نویس کمک می‌کند و یا در مورد نام تنالگانها نیز ابزاری مشابه (بهنام، ۱۳۶۸) وجود دارد. اما در همین جانیز ذکر این نکته ضروری است که در صورتی که نام شخص یا تنالگان در کتابهای فوق‌الذکر وجود نداشته باشد باز هم انتخاب شکل سرعنوان بر عهده فهرست‌نویس است.

نکته مهمی که باید به آن توجه نمود این است که در ده مورد اول از دوازده مورد بالا، در عمل، سی و دو مورد وجود دارد که فهرست‌نویس، برای ارائه سرعنوانی برای هر کدام از آنها به حال خود رها شده است. دو مورد یازده و دوازده نیز به تنهایی می‌توانند حجم عظیمی از سرعنوانها را به خود اختصاص دهند.

ذکر دو مثال از "سرعنوانها" می‌تواند نشان دهد که در مورد این گروه از موضوعات، تا چه اندازه احتمال پیدایش عدم یکدستی در ارائه سرعنوانهای موضوعی وجود دارد. برای سرعنوان "دریاچه ارومیه" در "سرعنوانها" پنج ارجاع به شرح زیر داده شده است:

ارومیه، دریاچه	چیچست	چئی چست
دریاچه رضائیه	رضائیه، دریاچه	

یعنی این که دریاچه ارومیه به این پنج شکل نیز نامیده می‌شود اما شکل اشهر، "دریاچه ارومیه" است. حال می‌توان پرسید که آیا این احتمال وجود ندارد که برای دریاچه‌های دیگر هم چند نام وجود داشته باشد و فهرست‌نویسان متفاوت، در انتخاب شکل اشهر این نامها با یکدیگر وحدت نظر نداشته باشند؟ سرعنوان "دریای خزر" نیز که در "سرعنوانها" دارای چهار معادل، یعنی: بحر خزر، خزر (دریا)، دریاچه خزر، و دریای مازندران است وضعیتی مشابه را القاء می‌کند.

از سوی دیگر، باز هم با ذکر چند مثال از "سرعنوانها" می‌توان نشان داد که حتی در خود این کتاب هم، در مورد تعدادی از این دوازده گروه از موضوعات،

وحدت عمل وجود ندارد.

۱. در گروه هشت، "قلعه‌ها" و "دژها" به دنبال هم آورده شده است و این به این معناست که "قلعه" با "دژ" متفاوت است. در حالی که در "سرعنوانها" از "دژها" به "استحکامات" و "قلعه‌ها" ارجاع داده شده است یعنی، اگر نام دژی می‌باید موضوع کتابی قرار گیرد نام دژ باید قلعه تبدیل شود، مانند: "دژ استوناوند" که در "سرعنوانها"، "استوناوند (قلعه)" نوشته شده است.

۲. نام قصرها را می‌توان بر طبق گروه هشتم از دوازده گروه، موضوع قرار داد ولی در متن "سرعنوانها" از قصرها به کاخ ارجاع داده شده است که ظاهراً اشتباه چاپی است و باید "کاخها" باشد. در هر دو حالت نمی‌توان از کلمه قصر استفاده کرد و باید به جای آن کلمه کاخ را به کار برد.

۳. "بزرگ راهها" را نیز می‌توان مطابق گروه نهم از دوازده گروه، موضوع قرار داد ولی در "سرعنوانها" از "بزرگراهها" و نه، "بزرگ راهها"، به "راهها" ارجاع داده شده است. یعنی نمی‌توان مثلاً، بزرگراه جلال آل احمد را سرعنوان، قرار داد و باید به جای آن نوشت: "راه آل احمد"!

پیشنهادها

همان گونه که مشاهده شد علی‌رغم اعتقاد به اصل وحدت در فهرست سرعنوانهای موضوعی، مواردی پیش می‌آید که این اصل، نقض می‌شود و همان گونه که ذکر شد نقض این اصل مهم، در بازیابی دستی و کامپیوتری مواد کتابخانه از طریق موضوع، اشکالات اساسی ایجاد می‌کند. نمونه‌هایی که در بالا ذکر شد از جمله مواردی هستند که احتمال نقض این اصل را، با شدت و ضعف متفاوت پیش می‌آورند. اگر چه نمی‌توان راه‌حلهایی قطعی برای مشکلات ناشی از موارد ارائه کرد اما راههای زیر، تا حدودی می‌تواند به رفع مشکل کمک نماید:

الف. در مورد ترتیب تقسیمات فرعی عام، بهتر است که کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تشخیص قوت و ضعف موضوعی آنها را به

فهرست نویسان واگذار نکنند و خود، این قوت و ضعف موضوعی را برای حدود ۲۸۰ تقسیم فرعی عامی که ارائه کرده است مشخص کند. به این ترتیب که در ویرایش بعدی این کتاب، یا پیوستی جداگانه، همین سیاهه تقسیمات فرعی عام را به ترتیب الفبایی ارائه کند اما در جلوی هر تقسیم فرعی عام، با ذکر شماره‌ای، امکان مقایسه قوت و ضعف یک تقسیم فرعی عام را با تقسیم فرعی عام دیگر فراهم کند. برای مثال، اگر در جلوی عبارت "اوضاع اقتصادی"، شماره ۵۹ و جلوی کلمه "بازاریابی"، شماره ۴۰ وجود داشته باشد باید آن را به این معنا گرفت که ترکیب این دو تقسیم فرعی عام با هر موضوعی به شکل زیر است: موضوع - بازاریابی - اوضاع اقتصادی.

ب. تفاوت دقیق کاربرد تقسیمات فرعی عامی مانند "هزینه‌ها" با "قیمتها" یا "صنعت" با "صنعت و تجارت" باید مشخص شود تا هرگونه ابهامی را برطرف سازد.

پ. برای هنگامی که در یادداشت زیر یک سرعنوان کلی، اجازه استفاده از سرعنوانهای جزئی تر داده شده است می‌باید در همه موارد حتی الامکان، دستورات صریحی زیر سرعنوان کلی ارائه داد تا از چندگانگی شکل سرعنوان، جلوگیری شود. مثلاً، یادداشت زیر سرعنوان "چشم - بیماریها و نقصها" را باید به گونه‌ای تغییر داد که فهرست‌نویس بتواند بین شش سرعنوان: استرابیسم؛ چپ چشم؛ چشم، لوچی؛ قیج؛ کلاژ؛ و لوچی چشم، "لوچی چشم" را به همان صورتی که در "سرعنوانها" آمده است با اطمینان انتخاب کند. همچنین، زمانی که فهرست‌نویس می‌باید با استفاده از "گروه موضوعهایی که در متن نیامده‌اند ولی می‌توانند در صورت لزوم موضوع قرار بگیرند"، سرعنوان موضوعی بدهد برای کاستن از بار مشکل، می‌توان با انجام تغییراتی به شکل زیر، امکان ایجاد یکدستی در ارائه شکل سرعنوانها را تا حدودی فراهم کرد. اولاً باید برای هر موضوعی که در این گروه قرار دارد یک سرعنوان در "سرعنوانها" ایجاد کرد و ثانیاً در زیر هر یک از این سرعنوانها دستوری برای چگونگی ساختن سرعنوانهای مشابه ارائه کرد و، ثالثاً

برای تمام این دوازده گروه از موضوعات، به سرعنوانهای مربوطه در متن "سرعنوانها" ارجاع داد.

در صورتی که بخواهیم به این طریق عمل کنیم می توان در حال حاضر، "گروه موضوعهایی که در متن نیامده اند و لی می توانند در صورت لزوم موضوع قرار بگیرند" را به صورت زیر، تغییر داد:

۱. نام اشخاص

(به کتاب "فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان" و پیوستهای آن مراجعه کنید).

۲- نام طوایف، قبایل و خاندانها

(به سرعنوانهای "خاندان" و "قبایل و نظام قبیله ای" مراجعه کنید).

۳- نام خدایان اساطیری و شخصیت های افسانه ای

۴- نام تنالگانها (مؤسسات، سازمانها، شرکتها و غیره).

(به کتاب "فهرست مستند اسامی مؤسسات و سازمانهای دولتی" مراجعه کنید).

۵- نام نواحی و مناطق

۶- نام مناظر و آثار تاریخی

۷- نام پدیده های طبیعی، مثل خلیج ها، کویرها، دریاها، دریاچه ها، رودها، کوهها، آتشفشانها، دماغه ها

(به سرعنوانهای "کویرها"، "اقیانوسها و دریاها"، "دریاچه ها"، "رودها" و "کوهها"

مراجعه کنید).

۸- نام بناها، مثل ساختمانها، کاخها، قلعه ها، پلها، کانالها، خندقها، سیلوا

(به سرعنوانهای "قلعه ها"، "پل و پل سازی" و "کانالها" مراجعه کنید).

۹- نام نواحی شهری، مثل راهها، میدانها، خیابانها، بخشهای شهری

(به سرعنوانهای "میدانها" و "خیابانها" مراجعه کنید).

۱۰- نام پارکها، جنگل ها، بیشه ها

(به سرعنوان "پارکها" مراجعه کنید).

۱۱- نام انواع حیوانات و گیاهان

۱۲- نام ترکیب

همان گونه که دیده می شود برای تعدادی از موضوعهای بالا، سرعنوانی پیشنهاد نشده است، زیرا برای آنها اصولاً سرعنوانی در "سرعنوانها" داده نشده است. مثلاً در حال حاضر، به نظر نمی رسد که برای موضوعهایی مانند: بیشه ها، جنگلها، نام خدایان اساطیری و شخصیتهای افسانه ای، سرعنوانی در کتاب "سرعنوانها" وجود داشته باشد. برای هر یک از اینها باید نمونه ای ساخته شود. برای بعضی دیگر، سرعنوان داده شده فاقد یادداشت لازم برای چگونگی شکل سرعنوانهای مشابه است. مثلاً، یادداشت زیر سرعنوان "میدانها" در مورد ساختن موضوع برای میدانهای خاص، چنین دستور می دهد: "همچنین نام میدانهای بزرگ را موضوع قرار دهید، مثل: میدان فردوسی. تهران. از تهران - میدان فردوسی ارجاع بسازید. نام میدانهای خارجی را به شکل زیر بسازید: میدان کنکورد (پاریس. فرانسه)". در حالی که زیر سرعنوان آتشفشان هیچ یادداشتی که چگونگی موضوع دادن برای آتشفشانهای مهم را بیاموزد وجود ندارد.

افزون بر راه حل های پیشنهادی بالا راه حل عمومی دیگری وجود دارد که می تواند مشکل را به شکلی اساسی تر حل نماید و آن استفاده مستمر از برگه های درخواست موضوع از کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است. لازم به توضیح است که در صفحه چهارم و نه از مقدمه "سرعنوانها" تصویر برگه ای وجود دارد که برای درخواست موضوع از کتابخانه ملی می توان از آن استفاده کرد. به این ترتیب که فهرست نویسان می توانند برگه هایی به شکل "برگه درخواست موضوع" درست کنند و در مواردی که نمی توانند به کتابی موضوع دهند به وسیله آنها از کتابخانه ملی درخواست سرعنوان موضوعی کنند. اما شرط اساسی استفاده از این راه حل این است که کتابخانه ملی، سرعنوانهای درخواستی را به گونه ای برای کتابخانه های درخواست کننده فراهم کند که مطابق با استانداردهای ارائه شده توسط خود کتابخانه ملی (تعاونی، ۱۳۷۴، ص. ۳۶) در شرایط عادی هیچ یک از مواد کتابخانه

بیش از یک ماه در بخش فهرست‌نویسی معطل نشوند و این زمان، در شرایط استثنایی از سه ماه تجاوز نکند. به همین دلیل، فراهم سازی امکان ایجاد ارتباط سریع با کتابخانه ملی، خواه از طریق تلفن یا پست الکترونیک از جمله اقداماتی است که کتابخانه ملی باید روی آن کار کند.

ساختن بانکهای اطلاعاتی از شکلهای اشهر موضوعات گروههای دوازده‌گانه، که به صورت پیوسته یا ناپیوسته در دسترس کتابخانه‌ها باشد گام بسیار ارزشمند دیگری در ایجاد یکدستی در ارائه سرعنوانهای موضوعی یا رعایت اصل خواهد بود.

نتیجه

آنچه که در بالا آمد برای نشان دادن اهمیت وحدت شکل سرعنوانهای موضوعی در بازبایی اطلاعات در کتابخانه‌ها و نیز، برشمردن مواردی که ناخواسته، این وحدت شکل از بین می‌رود می‌باشد. اما آنچه که در پایان باید بیشتر روی آن تأکید شود اهمیت مطلب در پیوند با آینده‌ای است که در پیش روی خدمات کتابخانه‌ای در ایران قرار دارد. دیر نخواهد بود که کتابخانه‌های ایرانی، برای ارائه حداقل بخشی از خدمات خود، بر شبکه ملی اطلاع رسانی کشور که شبکه‌ای کامپیوتری خواهد بود متکی خواهند شد. از طریق این شبکه و کامپیوترهای متصل به آن، کتابخانه‌ها به فهرستهای یکدیگر دسترسی خواهند یافت و در چنین شبکه‌ای، جستجوی منابع کتابخانه‌ها از طریق موضوع، یکی از بدیهی‌ترین شکلهای جستجو خواهد بود. در چنین شرایطی، سرعنوانهای موضوعی که با وحدت شکل، منابع یکسان را به گونه‌ای یکسان، توصیف موضوعی می‌کنند نقشی کلیدی بازی خواهند کرد.

مآخذ

۱. ایران. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی. مرکز خدمات کتابداری (۱۳۵۶). فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان. تهران: مرکز خدمات کتابداری. + پیوستهای یک، دو و سه
۲. بهنام، مهوش (۱۳۶۸). فهرست مستند اسامی مؤسسات و سازمانهای دولتی. (ویرایش ۲). تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی. کتابخانه ملی ایران.
۳. تعاونی، شیرین (۱۳۷۴). پیش‌نویس استانداردهای کتابخانه‌های دانشگاهی ایران. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۴. سرعنوانهای موضوعی فارسی (۱۳۷۳). زیر نظر پوری سلطانی، کامران فانی، با همکاری مهناز رهبری اصل. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۵. سلطانی، پوری و راستین، فروردین (۱۳۶۵). اصطلاحنامه کتابداری: فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی. (ویرایش ۲). تهران: کتابخانه ملی ایران.